

همیشه‌ری



در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است
ضراحی می‌ناب و سفینه غزل است

حافظ

مهمشهری: www.hamshahrionline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴
کدپستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶-تهران، صندوق پستی: ۱۹۳۱۵۵۴۴
تلفن: ۰۲۱-۲۳۳۳۰۰۰، فکس: ۲۳۳۳۰۰۰، شماره: ۲۳۰۴۰۶۷

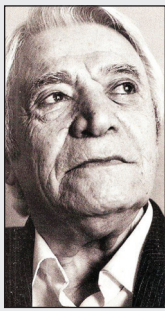
چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروزین
تلفن: ۰۲۱-۶۹۳۳۰۰۰

پدیرش آگهی: ۸۴۳۳۱۰۰۰
تلفن: ۰۲۱-۸۴۳۳۱۰۰

سردبیر: دانیال معمار

کتابخانه

۷۰ سال از انتشار «سپیددندان»
ترجمه محمد قاضی گذشت
چهره درخشان آسمان
ترجمه



حیدررضا محمدی، روزنامه‌نگار

چندان جوان نبود
اسار در آن زمان
تازه کار بود و هنوز
در ابتدای راهی
دراز: اما سه‌به‌خود
اطمینانی داشت
که او را به‌هیچ
طریق و به‌کمک
منصرف نمی‌کرد.
به‌قلم خود، به
فارسی‌دانی و البته

به فراسه‌دانی خود ایام داشت. ۱۲ سال پیش تر
رمانی نوشته بود که «زارا، عشق چوچان» نام
داشت و یک سال بعد هم، «کلود ولگرد» اثر
ویکتور هوگو را به فارسی برگردانده بود اما

هیچ‌یک چندان دیده‌نشده بود.
حالا پس از یک دهه، به سراغ آناتول فرانس
رفته بود تا «جزیره پنگوئن‌ها» را ترجمه
کند و کرده بود هم، اما کسی برای مترجمی
گمنام سرمایه نمی‌گذاشت. کتابخانه معرفت
و انتشارات امیرکبیر دست رد به سینه‌اش زده
بودند اما ربیع مشفق همدانی که خود در آن
روزگار مترجمی نامدار بود و به همراه برادرانش،
انتشارات صفی‌علیشاه را در میدان بهارستان،
ابتدای خیابان صفی‌علیشاه اداره می‌کرد، از
قلمش به شگفت آمد و گفت: «اثر ترجمه شما را
با اشتیاق تمام خواندم و به شما تبریک می‌گویم.
شما چهره درخشانی هستید که در آسمان
ترجمه طلوع کرده‌اید و باید کاری کرد که به
مردم معرفی شوید». در نتیجه از او خواست تا
برای معرفی شدن به مردم و پیش از انتشار
جزیره پنگوئن‌ها، «کتاب دیگری از یک نویسنده
معروف و بازارپسند برای ما ترجمه کنید». مدیر
آن بنگاه نشر، نام چند نویسنده برجسته را به این
مترجم گفت و وقتی به نام جک لندن رسید، به
یاد «سپیددندان» افتاد و گفت: «اثری از جک
لندن دارم که گمنام نمی‌کنم تا به حال ترجمه
شده باشد».

حالا دیگر «محمد قاضی» که در آن برهه
۳۹ ساله بود، دست به کار شد؛ «چون مصمم
بودم که به هر قیمتی شده خودم را نشان بدهم و
ثابت کنم که بیهوده از پیشکسوتان بی‌مایه ایراد
نمی‌گیرم.» در موعد قرار یعنی ۴ ماهه، کار را تمام
کرد و یک ماه بعد هم کتاب با قیمت ۳۰ ریال به
طبع رسید؛ «روزی که کتابم از چاپ درآمد و در
پشت شیشه‌بند کتابفروشی‌ها خونمایی کرد،
چنان غرق در شادی و نشاط شده بودم که سر
از پامی شناختم. دستخوش چنان غروری شده
بودم که انگار دنیا را فتح کرده بودم».

وصف ترجمه سلیس و روان قاضی
دهان‌بهدان گشت و کتاب طی ۶-۵ ماه نایاب
شد. نقادان او را ستودند و مترجمی دانستند
که هنگام وزیدگی قلم، گام به میدان ترجمه
نهداده و یک‌کدشه راه صد ساله را رفته است. او
با قلمی و درخشان پای به این عرصه گذاشت
و چهره‌ای درخشان شد، چنان که وقتی در
حال برگرداندن سپیددندان بود و ترجمه
فارسی خود را می‌خواند، حالی غریب به او
دست می‌داد؛ «بی‌هیچ‌گونه انگیزه خودنمایی
و خودبینی لذت می‌بردم و حس می‌کردم که
آن جمله‌ها را اگر با قلم ترجم دیگری غیر از
خود من هم به همین صورت به فارسی درآمده
بود می‌پسندیدم. در آن ترجمه دیگر خودم را
نمی‌دیدم، بلکه کاری اصیل و نوظهور می‌دیدم
که با ترجمه‌های سرهم‌بندی داعیه‌داران
آن روز متفاوت بود». اثری که در سال‌های
بعد، در مسابقات جهانی جیبی، ابتدا در
مؤسسه انتشارات فرانکلین و سپس در مؤسسه
انتشارات امیرکبیر نشر یافت.

بوک مارک

جنگل نروژی

در گذشته، مدت‌ها پیش،
هاریوک «وراکای»
وقتی هنوز جوان بودم، وقتی
خاطراتم خیلی واضح‌تر از امروز بودند، اغلب تلاش
می‌کردم درباره او بنویسم. اما حتی موفق نمی‌شدم
یک خط بنویسم. می‌دانستم اگر خط اول را بنویسم،
باقی خطوط خود به خود روی صفحه جاری خواهند
شد، اما هرگز نتوانستم این کار را عملی کنم. همه چیز
خیلی واضح و قوی بود، به همین خاطر، هرگز نتوانستم
بفهمم از کجا باید شروع کنم، مثل نقشه‌ای که بیش از
حد جزئیات دارد و گاهی اوقات به همین دلیل، غیرقابل
استفاده می‌شود.

دیالوگ

فریدا

عشق تو بهترین حالت، شبیه
جولی تایمور
به توهم شش‌رینه، اینایی که
واقعا عاشق همن، هیچ تصویری از اینکه قراره تا چه
اندازه به هم ضربه بزنی ندانن. اما وقتی اینو بدونی و با
چشم‌های باز تصمیم بگیرن و با هم ازدواج کنن، دیگه
به توهم نیست بلکه یک تصمیم شجاعانه و رمانتیکه.

حضرت امیر المؤمنین علی؛

دوران‌دیش کسی است که فریبندگی دنیا، او را از
کار برای آخرت باز نداشت.

آذان طلوع: ۱۳:۰۱ ■ غروب آفتاب: ۱۶:۵۳
آذان مغرب: ۱۷:۱۳ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۶
آذان صبح فردا: ۵:۳۹ ■ طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۹

سید مرتضی؛ مؤسسه همشهری

سردبیر: دانیال معمار

گربینوچ

حل معمای ۲۵۰۰ساله



یک معمای گرامری مربوط به زبان سانسکریت که بیش از
۲ هزار و ۵۰۰ سال زبان شناسان و زبان‌دانان را به خود مشغول
کرده بود، توسط یک دانشجوی هندی حل شده است. ریشی
راج پوپات که در دانشگاه کمبریج دانشجویی دکتری زبان
هندی است، موفق شده دستور زبان پانینی را کشف رمز کند.
پانینی که حدود ۲ هزار و ۵۰۰ سال پیش زندگی می‌کرده،
دستور زبان مفصلی برای زبان سانسکریت نوشته بود که بر
اساس آن گویشوران می‌توانستند کلمات و جمله‌های صحیح
بسازند. از این فرد، به‌عنوان پدر زبان‌شناسی نام برده می‌شود.
با این حال، قوانین دستسوری او در مواردی نادرست از آب
درمی‌آمنند. راج پوپات گفته است که بعد از اینکه چند هفته
از درس و کتاب فاصله گرفته، دوباره سراغ کارش رفته و در
یک آن، متوجه شده که قاعده دستوری پانینی، نه‌آنطور که
در طول تاریخ گمان برده می‌شده که به شکل دیگری است.
پانینی گفته که وقتی ۲ قاعده متعارض پیش می‌آید، باید سراغ
بعدی بروند. اما حالا این دانشجو کشف کرده منظور از قاعده
بعدی، قواعد سمت راست و چپ واژه‌هاست و باید مورد سمت
راستی مینا قرار بگیرد. این کشف، از نظر زبان‌شناسان یک
انقلاب به شمار می‌رود چون یکی از قدیمی‌ترین معماهای
زبان‌شناسی دنیا را حل کرده است.

رکور دسکنی هوادار برزیلی



رفتن به جام جهانی، آرزوی میلیون‌ها میلیون
فوتبالیست است که البته معمولاً برای اکثر آنها،
محقق نمی‌شود. در این شرایط، یک برزیلی موفق
شده ۱۱ بار به جام جهانی برود و به‌صورت رسمی،
به‌عنوان رکورددار رفتن به جام جهانی لقب بگیرد.

این مرد ۷۵ ساله این عنوان را به‌صورت رسمی،
از کتاب رکوردهای جهانی گینس دریافت
کرده است. او نخستین بار در سال ۱۹۷۸ در
جام جهانی آرژانتین شرکت کرد. این دوره،
نخستین باری بود که تیم ملی فوتبال ایران با
حضور علی پروین و مرحوم حجازی و دیگران در
جام جهانی شرکت کرد. دانیل اسپورزی به گینس
گفته است که علاوه بر فوتبال، عاشق این است که
فرهنگ‌های مختلف در اطراف دنیا را هم کشف
کند و جام جهانی بهترین فرصت بوده تا به هر دو
علاقه‌اش برسد. این مرد گفته که می‌خواهد در
جام جهانی بعدی در مکزیک، کانادا و آمریکا هم
شرکت کند.

فریب ۱۲ ساله دوست دغل



برای همه ما پیش آمده که گاهی فکر کرده‌ایم یکی از
دوستانمان، کمی با ما بد تا کرده است و کمی از او رنجیده‌ایم
اما یک زن در چین، معنای تازه‌ای به خیانت در رفقت داده
است. ۱۲ سال، نه تنها بهترین دوستش را سر کار گذاشته، که از
او کلاهبرداری هم کرده است. این خانم که توسط پلیس
شانگهای دستگیر شده، یک حساب کاربری جعلی در
اینترنت ایجاد کرده و خود را یک مرد جا زده بود و با توجه
به شناخت کاملی که از دوستش داشت، به او نزدیک شده و
طی ۱۲ سال، قربانی میانسالی‌تر اسر کار گذاشته و چیزی
نزدیک به ۳۰۰ هزار دلار از او تلکه کرده است. این خانم پیش
پلیس اعتراف کرد که این کار را برای جبران حرفی که مادر
دوستش به او زده انجام داده؛ ۲ سال پیش مادر قربانی، به
این خانم متقلب گفته بود که چندان زیباتر نیست و احتمالاً در
پیدا کردن شوهر مشکل پیدا خواهد کرد.

اول آخر

دختر سسرزمینم، در هر
گوشه‌ای از این خاک که
باشی، ایران و ایرانی تو را
می‌ستاید. حالا به بیانه
یک نمايشگاه ساده کتاب
مهمان رویا و دانستن شو.



جشنواره طعم کتاب
با عشاير
روستای توگاه در حوالی
مسجد سلیمان
عکس: امین نظری

دغدغه

دین خواران مدرن

سیدمحمد رضا احمدی / کارشناس فرهنگی

در گزارش می‌خوانم بعضی از روحانیون و
مذاحران سرشناس که گاه این سرشناسی و
شهرت‌شان حاصل الطاف رسانه ملی و شهرت
حاصل از حضور در آن است، برای سخنرانی و
اجرای برنامه، ترخ‌های نجومی دارند و برای میزبان
و دعوت‌کننده، شرایطی سخت در نوع رفت‌وآمد و

پذیرایی و محل اقامت تعیین می‌کنند.
البته این مشکل فرهنگی ماست که هر کس مدتی
در رسانه رفت‌وآمد کرد و شهرتی به هم زد و چهره
تلویزیونی پیدا کرد، چنان خریدار پیدا می‌کند
که مردم و نهادهای رونق مجالس‌شان آنان را
دعوت می‌کنند و هزار جور ناز‌شای را می‌کنند
و خروار خروار پول بسا آورده نهادهای دولتی و
پول کمک‌های مردمی به بهیبت‌های مذهبی را

به آنها می‌دهند تا بیایند و یک ساعت برایشان
افاضه کنند. من خودم سال‌ها در مسئولیت‌های
فرهنگی اشتغال داشته و درگیر چنین مراسمی
بوده و با عده‌ای از این حضرات از دور و نزدیک
ارتباط داشته‌ام. گروهی از مجربان تلویزیونی
نیز از این دسته‌اند که برای یک برنامه، مبالغه‌ده
ده‌ها میلیونی مطالبه می‌کنند تا یکی دو ساعت
به مجلسی یا همایشی بروند و برنامه‌اعلام کنند و
مثلاً بگویند خب حالا کی سخنرانی می‌کند و حالا
از کلیپ را ببینید و حالا این موسیقی را بشنوید.

جالب است که بسیاری از ایشان حتی تحصیلات
معتبرانه‌ای هم ندارند که بگوییم زحمتی کشیده‌اند
و حالا دارند نان دود چراغ‌ها را می‌خورند. بسیاری
از ایشان مدیون تهیه‌کنندگانی هستند که برای
کمتر پول دادن، به کارشان گرفته‌اند و اینها هم
که فهمیده‌اند حضور در جعبه جادویی چه مزایا
و منافع دارد، برای تهیه‌کنندگان، به‌طور مجانی
به تلویزیون می‌روند تا جای دیگری جبران مافات
کنند. بدتر از اینها اینکه گروهی از پژوهشگران و
متخصصان حرفه‌های مختلف به تهیه‌کنندگان
پول می‌پردازند تا آنها را در برنامه‌هایشان دعوت
کنند. البته که این سرسرمایه‌گذاری مفیدی است
چه آنکه می‌دانند اگر چهره تلویزیونی شوند و قاب
رسانه ملی چندین بار آنها را نشان بدهد، نشان در
روغن است و پس از آن کرور کرور به جیب‌زنند.
البته از مجری و خواننده و بازیگر سینما و تئاتر
و فوتبالیست و متخصصان رشته‌های مختلف
هیچ انتظاری نیست، اما شنیدن چنین مطالبی
از جماعت دینی مثل مداحان و قاریان قرآن و
به‌خصوص عناصر روحانی، هر چند تعدادشان کم

باشد سواً تا سرفار و در دناک است.

شاید عده‌ای از هم‌صنفان و بچه‌های مذهبی
این سخن را بر نتابند و آن را پای تضعیف جامعه
دین‌مداران و روحانیت بگذارند. شاید گلابی کنند
که چرا آبروی جماعت دین‌مدار را می‌بری؟ چرا
حاصل از حضور در آن است، برای سخنرانی و
اجرای برنامه، ترخ‌های نجومی دارند و برای میزبان
و دعوت‌کننده، شرایطی سخت در نوع رفت‌وآمد و
پذیرایی و محل اقامت تعیین می‌کنند.
البته این مشکل فرهنگی ماست که هر کس مدتی
در رسانه رفت‌وآمد کرد و شهرتی به هم زد و چهره
تلویزیونی پیدا کرد، چنان خریدار پیدا می‌کند
که مردم و نهادهای رونق مجالس‌شان آنان را
دعوت می‌کنند و هزار جور ناز‌شای را می‌کنند
و خروار خروار پول بسا آورده نهادهای دولتی و
پول کمک‌های مردمی به بهیبت‌های مذهبی را

به آنها می‌دهند تا بیایند و یک ساعت برایشان
افاضه کنند. من خودم سال‌ها در مسئولیت‌های
فرهنگی اشتغال داشته و درگیر چنین مراسمی
بوده و با عده‌ای از این حضرات از دور و نزدیک
ارتباط داشته‌ام. گروهی از مجربان تلویزیونی
نیز از این دسته‌اند که برای یک برنامه، مبالغه‌ده
ده‌ها میلیونی مطالبه می‌کنند تا یکی دو ساعت
به مجلسی یا همایشی بروند و برنامه‌اعلام کنند و
مثلاً بگویند خب حالا کی سخنرانی می‌کند و حالا
از کلیپ را ببینید و حالا این موسیقی را بشنوید.

جالب است که بسیاری از ایشان حتی تحصیلات
معتبرانه‌ای هم ندارند که بگوییم زحمتی کشیده‌اند
و حالا دارند نان دود چراغ‌ها را می‌خورند. بسیاری
از ایشان مدیون تهیه‌کنندگانی هستند که برای
کمتر پول دادن، به کارشان گرفته‌اند و اینها هم
که فهمیده‌اند حضور در جعبه جادویی چه مزایا
و منافع دارد، برای تهیه‌کنندگان، به‌طور مجانی
به تلویزیون می‌روند تا جای دیگری جبران مافات
کنند. بدتر از اینها اینکه گروهی از پژوهشگران و
متخصصان حرفه‌های مختلف به تهیه‌کنندگان
پول می‌پردازند تا آنها را در برنامه‌هایشان دعوت
کنند. البته که این سرسرمایه‌گذاری مفیدی است
چه آنکه می‌دانند اگر چهره تلویزیونی شوند و قاب
رسانه ملی چندین بار آنها را نشان بدهد، نشان در
روغن است و پس از آن کرور کرور به جیب‌زنند.
البته از مجری و خواننده و بازیگر سینما و تئاتر
و فوتبالیست و متخصصان رشته‌های مختلف
هیچ انتظاری نیست، اما شنیدن چنین مطالبی
از جماعت دینی مثل مداحان و قاریان قرآن و
به‌خصوص عناصر روحانی، هر چند تعدادشان کم

صفحه آخر

عربی، یکی از تمایزترین زبان‌های دنیا و کلید ورود به جغرافیایی به وسعت خاورمیانه
و شام و شمال آفریقا است اما برای ما در حد مرفوع بودن و منصوب بودن فاعل و مفعول
باقی مانده. با دانستن عربی، ما می‌توانیم از زندگی ۴۰۰ میلیون انسان که هر روز از این
زبان استفاده می‌کنند سر در بیآوریم و از خوراکی‌های فرهنگی آنها تغذیه کنیم.
داشته‌اند اما می‌توانیم بگوییم، به همین نسبت، از منظری ما دورترین جامعه به زبان
عربی هم هستیم. دلپش هم نحوه آموزش این زبان است. به ما در مدرسه، چندین سال
زبان عربی آموزش می‌دهند اما وقتی دیلم می‌گیریم، همانقدر می‌توانیم عربی صحبت
کنیم که قبل از شروع مدرسه می‌توانستیم. چیزی که به‌عنوان زبان عربی به ما در
مدارس ارائه می‌شود، هیچ ربطی به زبان امروز عربی ندارد. آن کتاب‌های سخت و سخت
که صرف و نحو را با زور پتک و چکش در مغز ما می‌کنند، بزرگ‌ترین دشمنان شیرینی
و ملاحظت زبان عربی هستند. ما بعد از دیلم، انسان‌هایی می‌شویم که ناخودآگاه و
خودآگاه، از این زبان دلبر فرار می‌کنیم و تازه وقتی عربی واقعی را شناختیم می‌فهمیم
در تمام این سال‌ها، چه ظلمی به ما شده است.



تقویم / اسالمرگ
لودویگ فنان پتهوون در بن متولد شد. نخستین معلم
موسیقی‌اش پدرش بود، ولی بعدها معلمانی محلی دیگری
هم داشت. روشن تعلیم پتهوون که از هاسالگی‌اش شروع شد، از
همان ابتدا سخت و شدید بود و اغلب او را به‌گری می‌انداخت.
در این زمانه که جماعت متدینان از هر سو مورد
شب جلسات نامنظمی بر گزار کنند و پتهوون جوان از تخته‌نوایش
به طرف ساز کشیده می‌شد.
اولین اثر بزرگ را در کسترلاد پتهوون، سمفونی شماره ۱، در
سال ۱۸۰۰ خلق شد و در سال ۱۸۰۱، کوپرت زهی
(پوس ۱۸) ساخت. پتهوون از کمی پیش‌تر به ناشنوایی مبتلا
شده بود و بیماری‌اش در این سال‌ها رو به وخامت گذاشته بود،
اما همچنان به فعالیتش ادامه داد و سمفونی‌های سوم و پنجم
خود را هم چند فصلی کرد. وضعیت جسمانی‌اش تا سال ۱۸۱۱، با
ناشنوایی تقریباً کامل، وخیم‌تر شد و به همین دلیل از اجرای
موسیقی و حضور در مجامع عمومی خودداری می‌کرد. آخرین
کسرتو پائونی او (شماره ۵ معروف به «امپراتور») در آن سال
با اجرای اولیه توسط پیانیست معروف، آرشیدوک رودولف به
نمایش درآمد.
پتهوون بعد از دور شدن از جامعه، بسیاری از تحسین‌برانگیزترین
آشعارش مانند سمفونی‌های بعدی، موسیقی مجلسی و
سوسونای‌های پائونی او در دوره پایانی حیاتش تألیف کرد. تنها
اپرایش که فیدلیو نام دارد در آن سال ۱۸۱۴ به نسخه نهایی
رساند و آخرین سمفونی‌اش را نیز در سال‌های ۱۸۲۴-۱۸۲۳
ساخت. این سمفونی که شماره ۹ نام گرفت، نخستین سمفونی
با گروه کر در تاریخ موسیقی است. پتهوون سرانجام پس از چند
ماه بیماری و بستری‌بودن، در سن ۵۶ سالگی درگذشت.

تصویر غیر واقعی از یک خطر واقعی



یک هنرمند در انگلیس، با نقاشی‌های خارق‌العاده
از حیوانات، برای نجات آنها تلاش می‌کند و البته
توجه جهانی را هم به‌خود جلب کرده است. خانم
سوفی گرین، با هنرمندی تمام، چنان از حیوانات
نقاشی می‌کشد که انگار از آنها عکاسی کرده
است. او نقاشی‌هایش را در اینستاگرام منتشر
می‌کرد و خیلی زود، مورد توجه قرار گرفت. این
هدفش از این کار، افزایش آگاهی عمومی از خطراتی است که حیوانات و حیات آنها
را تهدید می‌کند، او سراغ حیواناتی می‌رود که به‌خاطر شکار، یا از بین رفتن محل
زندگی‌شان، یا خطر مرگ روبه‌رو بوده‌اند. برخی از نقاشی‌ها، با مبالغه‌گراف فروخته
شده‌اند اما گرین، تمامی پول آنها را به یک خیریه که در امور نگهداری از حیوانات
فعال است هدیه می‌کند. گرین معتقد است که نقاشی، بیشتر از عکاسی طبیعت
اثرگذار است چون همه‌چیز در نقاشی تحت کنترل است، «آنها وقتی نقاشی
می‌کشید می‌توانید کاری کنید که حیوان، مستقیم به چشم شما نگاه کند.»

ای خدای محمدا تو شاهد باش که ما از روحانیون
قاریان قرآن و مذاحاتی که برای سخنرانی یا
اجرای مراسم دینی پول می‌طلبند و ترخ‌منشخ
می‌کنند و اگر کمتر پرداخت شود، برمی‌آشوند و
به روی طرف می‌آورند، متفرم و بیزار، خداوند!
محافظت از دین‌مان را به عنایت تو می‌سپارم و
دین‌خواران را به عدالت.